

# لطیفه‌گویی سیاسی - اجتماعی

## سیما راستین

چاپ نخست در مجله نگاه نو شماره ۷۳، اردیبهشت ۱۳۸۶

لطیفه‌گویی یکی از رایج‌ترین پدیده‌های فرهنگی در جامعه ایران است. در اغلب ارتباطات اجتماعی، دیدارها و محافل عرفی، لحظاتی به لطیفه‌گویی اختصاص می‌یابد و فضا پر نشاط و سبکبار می‌شود. لطیفه‌گویی معاصر در ایران هیچگونه مرز سنی و طبقاتی نمی‌شناسد، پیر و جوان، و حتی کودکان لطیفه تعریف می‌کنند و مدام در جستجوی لطیفه‌های تازه هستند. لطیفه‌های تازه نه فقط زبان به زبان، بلکه از طریق صفحه‌های اینترنتی، وبلاگها و تلفن‌های موبایل در ابعاد گسترده منتقل می‌شوند. مضمون لطیفه‌های متداول در گذشته، عمدتاً عبارت بودند از: انبوه لطیفه‌های نیشدار علیه زنان و کلا لطیفه‌های مربوط به امور جنسی، لطیفه‌های دارای عبارات و کلمات ممنوع، لطیفه‌هایی با مضمون به سخره گرفتن اقوام ساکن در ایران خاصه لهجه‌های آنها، از جمله با مضمون تمسخر "ساده‌لوحی" لری، "حسابگری" اصفهانی، "تعصب و خشک‌اندیشی" آذری، "فقدان تعصب مردانه و ضعف وفاداری زنان" در شمال و نظایر آنها. البته این گونه لطیفه‌ها هنوز رواج دارند. مضمون آنها را کهنه می‌نامیم در قیاس با نوع لطیفه‌های سیاسی.

در چند دهه اخیر، بویژه ابداع لطیفه‌های سیاسی اجتماعی، رونق بی‌سابقه‌ای یافته است. درباره دشواریهای اقتصادی، وقایع و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، حکومت و حکومتگران لطیفه ساخته می‌شود و در پهنه‌ای گسترده پخش می‌شود. لطیفه‌های سیاسی کنونی کاملاً از بستر تاریخی - فرهنگی خود جدا نشده‌اند. مضامین سیاسی اجتماعی روز همچنان با موضوعات مألوف قدیم ترکیب شده و در قالبی منطبق

با سلیقه‌های طرفداران دیرینه لطیفه‌گویی عرضه می‌شوند. لطیفه‌های مدرن که از مضامین اجتماعی سیاسی با لهجه‌ها و فیکورهای محبوب سنتی ترکیب می‌شوند، از محبوبیت خاصی برخوردار هستند.

براستی چرا لطیفه‌های سیاسی اجتماعی ابداع می‌شوند و چه عنصری در آنها بامزه و خنده‌آور است؟ آیا تنها نیاز به شادی و تفریح، انگیزه ساختن و پراکندن این گونه لطیفه‌هاست یا این که انگیزه آنها به تمسخر گرفتن شخصیت‌ها، هنجارها و ارزشهای سیاسی اجتماعی معینی هستند؟ آیا این لطیفه‌ها بر وضعیت سیاسی اجتماعی در جامعه تأثیر گذاشته و تغییراتی را سبب می‌شوند؟ در این نوشته تلاش می‌شود که به این پرسشها پرداخته شود و زمینه‌های به وجود آمدن لطیفه‌های سیاسی اجتماعی و تأثیر آن بر جامعه بررسی شود. از کتاب "لطیفه و رابطه آن باضمیر ناخودآگاه" اثر فروید و مجموعه‌ای از ادبیاتی که به بررسی جامعه‌شناسانه از طنز و شوخی پرداخته‌اند، به عنوان کارپایه تئوریک این نوشته استفاده شده است.

### لطیفه چیست و چگونه به وجود می‌آید؟

لطیفه حکایتی کوتاه و خنده برانگیز است که در یک نکته پرمعنی به اوج خود می‌رسد.<sup>1</sup> درباره بسیاری از عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی انسانی، لطیفه ساخته می‌شود. گاه موضوعات اجتماعی و سیاسی، گاه مذهب و رهبران مذهبی و گاه شخصیت‌ها و خصوصیات فردی ویژه، محور لطیفه را تشکیل می‌دهند. لطیفه هم در مضامین حقیر و آلوده و هم عظیم و پرشکوه، نکات تمسخر آمیز و خنده آوری می‌یابد. در فرهنگ لطیفه‌پردازی هیچگونه اسرار و امور مقدسی که نتوان به آنها خندید، وجود ندارد. گرچه سرشت لطیفه برانگیختن خنده است، اما اغلب موضوعات آن جدی بوده و ریشه در واقعیت‌های زندگی سیاسی-اجتماعی و فرهنگی انسانها دارند.

<sup>1</sup> در این مورد بنگرید به:

در داستان هر لطیفه، نکته‌ای بطور تلویحی توسط معانی دوپهلوی و بازیهای زبانی پرداخته شده است که در هسته خود، هدفش به پرسش کشیدن یک هنجار اجتماعی است. هنجارهایی که کنترل‌کننده مرزهای ممنوع در پهنه‌های مختلف زندگی انسانی هستند، موضوعهای ممنوع اجتماعی، فرهنگی یا گفتارهای سبکسرانه غیر متعارف، در لطیفه به بیان در می‌آیند و لحظاتی را از تشویشها و نگرانیهای زندگی روزمره، آزاد می‌کنند. لطیفه وسیله‌ای است برای گریز موقت از وضعیت موجود.

لطیفه امکانی است که فرد به وسیله آن از فشار افکار و واقعیت‌های اجتماعی فاصله می‌گیرد. لطیفه به اشکال ساده گفتاری و نوشتاری تعلق دارد: محتوایی کوتاه و بریده از طریق یک ارتباط غیر محتمل با یک حوزه پرت، افقی جدی و چرخشی غیر قابل انتظار می‌یابد و معنایی دوپهلوی و طنز آمیزی به وجود می‌آورد که ناگهان مجموعه‌ای از ارزشها را به پرسش می‌کشد. تأثیر خنده ناشی از این نکته، لطیفه را به یک پدیده اجتماعی ارتقا می‌دهد. مدلهای هویتی لطیفه در زمینه عصبیت، انتقاد اجتماعی پنهان و اروتیک، کارکرد سوپاپهای اطمینان را در جامعه کسب می‌کنند.<sup>۲</sup>

### لطیفه از دیدگاه روانشناسی تحلیلی

در آغاز قرن بیستم زیگموند فروید، مطالعه و بررسی لطیفه را زیر عنوان "لطیفه و ارتباط آن با ضمیر ناخودآگاه"<sup>۳</sup> آغاز کرد. او با روش تحقیق تجربی توصیفی به تحلیل لطیفه پرداخت تا ریشه خنده‌ای را دریابد که لطیفه موفق برمی‌انگیزد. فروید لطیفه را به بخش تکنیکی و سوگرایانه (هدفمند، مغرضانه) تقسیم کرد. انگیزه خنده در مورد لطیفه‌های تکنیکی، تأثیر مکانیسمها و بازیهای زبانی بر شنونده است. لطیفه‌های تکنیکی زیر عنوان "بی ضرر" تعریف می‌شوند. در مقابل لطیفه‌های سوگرایانه، مضمون خاصی را در لطیفه مورد نظر دارند. او لطیفه‌هایی را که با طرح نکته‌ای، خنده برمی‌انگیزند، به چهار دسته تقسیم کرده است:

۱. لطیفه‌های وقیح و بیشرمانه

۲. لطیفه‌های عصبی و خصمانه

۳. لطیفه‌های نیشدار و انتقادی

۴. لطیفه‌های شک برانگیز و ناباورانه

<sup>۲</sup> Meyers Enzyklopädisches Lexikon, Bd. 25, Mannheim/Wien/Zürich 1979, S. 456

<sup>۳</sup> Siegmund Freud, Der Witz und seine Beziehung zum Unbewusstsein, Frankfurt/M 1975.

تمام این چهار نوع لطیفه سوگرایانه از یک الگوی مشترک سرچشمه می‌گیرند: یک نفر لطیفه را می‌سازد یا تعریف می‌کند، نفر دوم موضوع یا هدف لطیفه است و نفر سوم که لطیفه را می‌فهمد، به خنده در می‌آید و به این وسیله با نقل‌کننده لطیفه ابراز همبستگی می‌کند. این همبستگی به وضوح علیه نفر دوم است. فروید مطرح می‌کند که افراد و خصوصیات آنها را فقط در قالب لطیفه می‌توان به سخره گرفت و بر آنها خندید، زیرا نرمها و عرف اجتماعی طرح صریح این گونه نکات را مجاز نمی‌دانند. به این ترتیب هم تعریف‌کننده لطیفه و هم شنونده آن به عملی غیر مجاز اقدام می‌کنند. لطیفه سوگرایانه ارضای غریزه‌ای را امکان‌پذیر می‌کند که از برداشته شدن یک مانع، در برابر یک فرایند طبیعی ایجاد می‌شود. این غریزه با پس رفتن مانعی که در برابر یک سرچشمه لذت قرار گرفته است، آن را باز می‌آفریند.

فروید در این باره مطرح می‌کند که بسیاری از افکار، دیدگاه‌ها، احساسات، و غرایض انسانی به ویژه شهوت و عصبیت، که ناخودآگاه انسانها به طور طبیعی آکنده از آنهاست، در جامعه تابو قلمداد شده و به مرزهای ممنوع تعلق گرفته‌اند. لطیفه این غرایز را رها ساخته و موقعیتی غیر قابل انتظار را بوجود می‌آورد که از بازشناخت ناگهانی نیازهای دیرینه و آشنایی سرچشمه می‌گیرند که از خودآگاه جدا شده‌اند. در این لحظه شکاف میان ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه از میان می‌رود. خنده از تخریب ناگهانی شرم حاصل می‌شود.

خنده فرد را برای یک لحظه و به طور سطحی از فشار نیازهای سرکوب شده آزاد می‌کند و همزمان مانع ارضای نیازهایی مثل عصبیت در انسان می‌شود، نیازهایی که می‌توانند برای محیط او خطرناک باشند. لطیفه امکان شاد شدن از یک امر بیهوده ممنوع شده را فراهم می‌آورد. دست کم این است که توهم آزادی و آزاد بودن را به وجود می‌آورد.

لطیفه از دیدگاه روانشناسی اجتماعی:

به طور کلی می‌توان دو کارکرد متفاوت لطیفه را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱. کارکرد کنترل‌کننده و گزنده

۲. کارکرد مثبت و سازنده

لطیفه‌هایی که خنده جمعی علیه یک نفر را بر می‌انگیزند، دارای کارکرد کنترل‌کننده و نیشدار هستند. لطیفه‌هایی که به از میان رفتن کشمکش و تشنج در جمع کمک می‌رسانند و نوعی احساسات تعلق گروهی را تقویت می‌کنند، زیر عنوان مثبت و سازنده دسته‌بندی می‌شوند. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که لطیفه اساساً در روابط گروهی معنای بسزایی پیدا می‌کند. از این رو می‌توان مدعی شد که هر دو کارکرد

برشمرده یکدیگر را تکمیل می‌کنند. همبستگی گروهی هم از طریق یک تصویر مثبت از جمع تقویت شده و به خنده جمعی منتهی می‌شود هم توسط خندیدن بر یک موضوع یا شخص خارج از جمع. لطفه نوع اول را التیام‌بخش و نوع دوم را لطفه به عنوان اسلحه نام گذاری کرده‌اند.<sup>4</sup>

ناگفته نماند که لطفه گویی در دنیای معاصر دیگر هیچگونه مرزی نمی‌شناسد و به همه عرصه‌های زندگی سر می‌کشد و به همه چیز پيله کرده و سرخوشی‌های هر چند زودگذری می‌آفریند.

### لطفه های سیاسی-اجتماعی

لطفه سیاسی اساساً پدیده‌ای متعلق به عصر جدید است. در دوران باستان که قدرتهای سیاسی خود را نمایندگان خدا قلمداد می‌کردند، هرگونه انتقاد و طنز سیاسی بیحرمتی به پروردگار و نمایندگانش بر روی زمین تلقی شده و به خشونت‌آمیزترین شکلی مجازات می‌شد. با شکل‌گیری فرهنگ بورژوازی، فضای انتقاد و طنز درباره بالایی‌ها و خندیدن به آنها به وجود آمد. به عنوان نمونه در آلمان، اولین نشریات طنز در جریان انقلاب ۱۸۴۸ منتشر شدند.<sup>5</sup> شاخص طنز آن دوره، یا حمله به سیستم سیاسی حکومتی، دولت و جامعه بود یا توجیه و تبرئه کارکرد آنها.

در دسته بندی‌ای که اشپایر کرده<sup>6</sup>، لطفه سیاسی در گروه بندی لطفه به عنوان سلاح، قرار می‌گیرد. وقتی که لطفه بر پایه پیشداوری‌هایی در مورد اقلیتهای انسانی، ملیتها و اقوام دیگر شکل بگیرد، بی تردید در اینجا مناسبات قدرت است که در لطفه بازتاب می‌یابد. به طور کلی هر مناسبات اجتماعی و قدرت سیاسی، وضعیتی را مقرر میکند که بر مبنای آن تعیین می‌شود که چه کسی اجازه دارد علیه چه کسی، چه لطفه‌ای را، تعریف کند و چه واکنشی در برابر آن مجاز است. در لطفه‌هایی که منسوب به بی‌قدرتان هستند، کارکرد دوگانه‌ای وجود دارد. از سویی در لطفه مضامین اجتماعی و سیاسی غیرمجاز به بیان در می‌آیند و از سوی دیگر خشمی که نسبت به وضعیت و مناسبات حاکم وجود دارد، در خنده فرو می‌نشیند. خندیدن بر تابوها،

<sup>4</sup> H. Speier, Witz und Politik. Ein Essay über die Macht und das Lachen, Osnabrück, 1975.

<sup>5</sup> Andreas Schmid, Politische Autorität im Witz. Zur Grundlegung der Prävalenz als Agens eines politischen Witz in der Bundesrepublik Deutschland inklusive eines Forschungsberichts, Marburg 1988, zit. in Meike Wöhlert, Der politische Witz in der NS-Zeit am Beispiel ausgesuchter SD-Berichte und Gestapo-Akten, FrankfurtM u.a. 1997.,

<sup>6</sup> H. Speier, op.cit.

هنجارها و ارزش‌گذاریه‌های اجتماعی و بی‌اهمیت جلوه دادن آنها ممکن است مانع از به پرسش کشیدن واقعی آنها شود و به این ترتیب به سهم خود کمک کند تا وضعیت موجود، تثبیت شده و تداوم یابد.<sup>۷</sup>

خنده حاصل از لطیفه‌های سیاسی، خنده‌ای تلخ است. این خنده در وضعیتی بروز می‌کند، که اساساً چیزی برای خندیدن وجود ندارد و انگیزه‌های لطیفه‌های سیاسی تراژیک هستند. نقل کنندگان و ابداع کنندگان لطیفه سیاسی بی‌قدرتی خودشان را به شوخی گرفته و بر آن می‌خندند. به این اعتبار لطیفه دارای این قابلیت است که به مفر یا به اصطلاحی دیگر به سوپاپ اطمینانی برای تنظیم و بازسازی تعادل روحی تبدیل شود. ناسیونال‌سوسیالیستها این نکته را دریافته بودند و به همین دلیل پس از مدت کوتاهی دستگیری و مجازات لطیفه‌سرایان را متوقف کردند و عمدتاً به منظور سنجش افکار عمومی به جمع‌آوری لطیفه‌های سیاسی پرداختند. همچنین وزارت تبلیغات هیتلر سرمایه‌های هنگفتی برای ساختن فیلمهای کم‌دی به ویژه در زمان جنگ اختصاص داده بود، تا روحیه مردم چه در جبهه و چه در پشت جبهه تقویت شود.

به لحاظ روانشناسی لطیفه سیاسی نوعی گریز به دنیای توهم و مهاجرت درونی است. همچنین لطیفه سیاسی به ستم‌دیدگان نوعی احساس برتری و اتکا به نفس می‌دهد. لطیفه سیاسی شکلی از مخالفت و اعتراض به وضعیت سیاسی اجتماعی و فرهنگی حاکم در جامعه است. کاراکنتر این اعتراض اما درگیری خنده‌آور با موضوعات و موقعیت‌های جدی، بد، ناگوار و خطرناکی است که نارضایتی اجتماعی به وجود آورده‌اند. هرچه در جامعه امکانات کمتری جهت ابراز عقاید و آرای انتقادی موجود باشد، به همان میزان نیز ابداع لطیفه‌های سیاسی گسترش می‌یابد.

### لطیفه سیاسی به چه مضامینی می‌پردازد؟

لطیفه گویی سیاسی عموماً با معانی دو پهلو و کنایه آمیز به تمسخر و انتقاد از شخصیت‌های سیاسی که در موقعیت مهمی قرار دارند و همچنین از وضعیتهای نامناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه می‌پردازد.

<sup>7</sup> Helga M.A. Weinrebe, Vom Umgang mit Witzen, Zur Didaktik und Methodik von Witz und Witzigem, Frankfurt/M 1979.

برای تحلیل جامعه‌شناسانه لطیفه در هر جامعه مفروض، لازم است که ابتدا پایه‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی که تعادل عمومی جامعه بر آنها قرار دارند، بررسی کرد و سپس وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی را مشخص کرد که در جامعه یا بخشهایی از آن، تعادل عمومی را برهم می‌زنند. لطیفه‌های سیاسی عموماً چنین موقعیت‌هایی را به طنز می‌کشند و ناراضیان و سنجشگران باریک‌بین را به خنده می‌آورند. در لطیفه‌های گوناگون سیاسی، می‌توان میزان نارضایتی و مخالفت با موضوع مطرح شده در لطیفه را تشخیص داد. محتوای عمومی لطیفه‌های سیاسی، غالباً به موضوعات جدی و حاد مثل نفی مطلق سیستم سیاسی حاکم یا اصولی که ستون و تکیه‌گاه سیستم هستند، نزدیک نمی‌شود. زیرا اگر چنین کند، به خواست و شعار سیاسی تبدیل شده و حالتی جدی می‌یابد، چیزی که وزن طنزآمیز لطیفه را کاهش داده، یا کلاً به نفی سرشت نکته‌سنج و شیطنت‌آمیز آن منجر می‌شود. از این روست که در دوره‌هایی که تعادل استواری در جامعه برقرار است و اعتمادی عمومی میان حکومتگران و حکومت‌شوندگان وجود دارد، نیاز به لطیفه‌گویی به عنوان گریز موقت از کدورتها و تلخکامی‌ها، کمتر بروز می‌کند. همچنین در دوره برآمد جنبشهای اجتماعی یا اعتلای انقلابی نیز نوعی شادابی، غرور و اعتماد به نفس اجتماعی فضای جامعه را سرشار می‌کند و نیاز به لطیفه‌گویی را می‌زداید.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان اظهارداشت که لطیفه‌گویی سیاسی به دوره‌هایی از حیات اجتماعی یک جامعه انسانی تعلق دارد که تعادلی شکننده در جامعه غلبه داشته ولی سیستم سیاسی در کلیت خود در معرض نفی و ضدیت اجتماعی قرار ندارد. لطیفه سیاسی در رادیکالترین شکل خود، بیانگر نارضایتی‌هایی در چارچوب سیستم سیاسی اجتماعی حاکم است. در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۴۵ در آلمان لطیفه‌گویی بسیار رایج بوده است. جالب توجه است که در مقطعی که رژیم نازیها برای تثبیت خود به حذف مطلق اجتماعی و معنوی یهودیان در همه عرصه‌های زندگی انسانی اشتغال داشت، هیچگونه لطیفه‌ای درباره خشونت و قساوت تبعیض آمیز و نژادپرستانه حزب ناسیونال‌سوسیالیست ابداع نشد. حتی لطیفه‌ای با مضمون همدردی با همسایه‌ها و همشهریان یهودی بر زبانها جاری نشد. نخستین لطیفه‌های سیاسی در آلمان به دوره‌ای برمی‌گردند که به علت سرمایه‌گذاری افسانه‌ای در صنایع جنگی و پیشبرد جنگ جهانی (۱۹۴۱-۱۹۴۳)، نارسایی‌هایی در کمک‌رسانی و کمبود مواد غذایی به وجود آمد. لطیفه‌های این دوره دولت و حزب را به دلیل در تنگنا گذاشتن اقتصادی مردم ملامت می‌کردند. تندترین لطیفه‌ها اما در دوره ۱۹۴۴-۱۹۴۵ ابداع می‌شوند که اکثریت مدافع رژیم در آلمان از پیروزی رایش سوم در جنگ ناامید شده و سقوط آن را مترادف با شکست در جنگ می‌دانستند. اما گشتاپو لطیفه‌های تند آن دوره را نیز که در

مرکز بررسی و سنجش افکار عمومی جمع‌آوری می‌شدند، زیر عنوان بی ضرر ارزشگذاری می‌کرد. لطیفه‌گویان دستگیر شده، حداکثر پس از چند ماهی مجازات حبس، آزاد می‌شدند.<sup>۸</sup>

### فیگورهای محبوب در لطیفه‌های سیاسی چه کسانی هستند؟

شوخی کردن با شخصیت‌های سیاسی به معنای به رسمیت شناختن آنها در موقعیت قدرتمندشان است. اما هر شخصیت سیاسی قدرتمندی در لطیفه سیاسی به طنز گرفته نمی‌شود. بررسی لطیفه‌های سیاسی از زاویه فیگورهای آنها نشان می‌دهد که:

۱. شخصیت‌های سیاسی که پستهای ارتشی، پلیسی و امنیتی در یک کشور را برعهده دارند و بطور عمومی رعب ایجاد می‌کنند، یا هرگز موضوع لطیفه قرار نمی‌گیرند یا این که به ندرت به اسباب خنده تبدیل می‌شوند. هنرمندان معدودی وجود دارند که از صحنه‌های هولناک و تلخ بشری، طنز آفریده و در مخاطبین خود به طرز اعجاب‌آوری خنده‌ای تلخ برانگیخته‌اند. فیلم "دیکتاتور بزرگ" اثر چارلی چاپلین و فیلم "زندگی زیباست" اثر فیلمساز ایتالیایی، روبرتو بنینی نمونه‌های نادری در این زمینه هستند.

۲. به دولتمردان و کاراکترهایی که از سوی جامعه چندان جدی گرفته نمی‌شوند، بیشتر به عنوان فیگورهای محبوب لطیفه سیاسی، توجه می‌شود.

۳. این نیز بسیار پیش می‌آید که کسانی که در میان مردم کمابیش دارای محبوبیت هستند، موضوع لطیفه‌های سیاسی قرار گیرند. به قولی سر تکان دادن عتاب‌آلود، نشانی از کشش و لطف و توجه دارد.

### آیا لطیفه‌های سیاسی دارای تأثیرگذاری اجتماعی سیاسی هستند؟

گرچه لطیفه سیاسی را می‌توان به عنوان ابراز نارضایتی و مقاومت درونی در برابر اموری معناکرد که برخلاف تمایلات، آرزوها و منافع مادی و معنوی انسانها هستند، اما نمی‌توان این شکل بروز پنهانی و شیطنت‌آمیز مقاومت را به عنوان بروز آرزوی نفی مطلق و تمایل جامعه به براندازی یک سیستم تفسیر کرد. لطیفه سیاسی اساساً بازگوکننده انتظارات سرخورده جامعه نسبت به حکومت و حکومتگران است، بی آنکه نفی و سرنگونی سیستم مورد نظر و تمایل لطیفه سرا باشد. در این زمینه تحقیقاتی که درباره لطیفه‌گویی در

<sup>8</sup> Meike Wöhlert, op.cit

دوره حکومت حزب ناسیونال سوسیالیست انجام شده‌اند، توجه برانگیز هستند. اغلب این تحقیقات، که توجه اصلی‌شان به دولتهای تمامیت‌خواه (توتالیتار) است، این عزیمتگاه را دارند که تمامیت‌خواهان اصولاً با تکیه بر جنبش حمایتی مردمی حرکت می‌کنند و برای تثبیت قدرت خود به این پشتیبانی نیاز دارند. بی تردید پایه این قدرتها، بر توافقهایی بنیادی میان مردم و دولت تمامیت‌گرا استوار است. برای نمونه یهودی ستیزی، ایجاد آلمان بزرگ و برقراری نظم و آرامش، موارد اصلی توافق میان دولت ناسیونال سوسیالیست و اکثریت مردم آلمان در فاصله ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ بوده است. از این رو انبوهی از لطفه‌های مربوط به این دوره اساساً به نارضایتی از کمبود مواد غذایی و نارسایی سیستم کمک‌رسانی اجتماعی و نگرانی از شکست رایش سوم در جنگ جهانی دوم اشاره دارند. در این دوره هیچگونه لطفه‌ای ابداع نشده است که ابراز نارضایتی از حذف سیاسی، اقتصادی و نابودی فیزیکی یهودی‌ها در کوره‌های آدم‌سوزانی، هدفهای جهانگشایانه رایش سوم، ایجاد رفاه اقتصادی و امنیت به بهای پایمال کردن دموکراسی و حقوق پایه‌ای بشری، از بین بردن کودکان معلول و بیماران روانی و نیز تبیین‌کننده تمایلی جدی به سرنگونی نازیسم باشد. تحقیقات این دوره همچنین نشان می‌دهند که بخشی از لطفه‌های انتقادی نیز، نه از درون نیروهای مقاومت ضد حکومتی بلکه کاملاً هدفمند در محافل ویژه حزب ناسیونال سوسیالیست تولید شده و توسط آنها به گردش درمی‌آمدند. گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر، لطفه را به عنوان مدفوع روح که بایستی دفع شود، تعریف می‌کرد.

لطفه سیاسی الزاماً و همیشه به مفهوم انتقاد از سیستم حاکم نبوده بلکه وضعیتهای نامطلوبی در چارچوب سیستم را در نظر دارد. تجربیات و شواهد تاریخی بسیاری گواه بر آنند که لطفه‌گویی سیاسی حتی در شکل رادیکال آن، برآیند اجتماعی سیاسی مؤثری در جامعه به ارمغان نمی‌آورد. در جوامعی که لطفه‌گویی سیاسی اجتماعی به عرف و عادت روزمره مردم تبدیل می‌شود، لطفه کارکرد ایجاد تعادل و تثبیت‌کننده وضعیت را کسب می‌کند. مطالعه و بررسی لطفه‌های سیاسی اجتماعی در جوامع بسته یکی از روشهای مؤثر آگاهی بر وضعیت افکار عمومی و جریانهای فکری و الگوهای رفتاری در یک جامعه است.